



تور آندره

با مقدمه آنه ماری شیمل

مترجم: فاطمه هشترودی



یکی از قابل توجه‌ترین مطالعات در زمینه تصوف، کتاب حاضر است که آن را اسقف سوئدی، تور آندره، با نام *باغ همیشه سبز* به زبان سوئدی به رشته تحریر درآورده است. آندره از تاریخ‌دانانی است که بخش اعظم پژوهش‌های خود را به ویژه در دهه ۱۹۲۰ به اسلام‌شناسی اختصاص داده است. او به عنوان یکی از بزرگ‌ترین بنیانگذاران مطالعات اسلامی جدید در غرب شناخته شده است و این کتاب او نمونه‌ای برجسته از آن پژوهش‌هاست. یکی از تلاش‌های برجسته آثار آندره، نشان دادن ارتباط بین دوره‌های کلاسیک و جدید در مطالعات دینی است. او با استفاده از روش‌های روان‌شناسی به بررسی تأثیرات متقابل یهودیت، مسیحیت و اسلام به دور از تعصبات عقیدتی می‌پردازد.



انتشارات علمی و فرهنگی

ISBN: 978-600-121-804-0



9 786001 218040

۱۲۰۰۰ ریال

تور آندره

باغ همیشه سبز

بررسی خاستگاه و مراحل اولیه شکل‌گیری تصوف

با مقدمه

آنه‌ماری شیمل

مترجم

فاطمه هشترودی



۱۳۹۴

سرشناسه	: آندره، تور، ۱۸۸۵-۱۹۴۷م.
عنوان و نام پدیدآور	: باغ همیشه سبز: بررسی خاستگاه و مراحل اولیه شکل گیری تصوف/ نوشته تور آندره؛ با مقدمه آنهماری شیمل؛ مترجم: فاطمه هشترودی.
مشخصات نشر	: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: چهل و چهار، ۲۰۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۲۱-۸۰۴-۰
یادداشت	: کتاب حاضر از متن انگلیسی اثر با عنوان In the Garden of Myrtles: Studies in Early Islamic Mysticism به فارسی برگردانده شده است.
یادداشت	: عنوان اصلی: I myrtentradgarden
یادداشت	: چاپ قبلی: پویا نقش، ۱۳۸۹.
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۱۹۳] - ۱۹۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت	: نمایه
موضوع	: تصوف - تاریخ
شناسه افزوده	: شیمل، آنهماری، ۱۹۲۲-۲۰۰۳م. مقدمه نویس
شناسه افزوده	: Schimmel, Annemarie
رده بندی کنگره	: BP ۲۷۵/۸ب۲ ۱۳۹۴
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۸۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۰۲۶۳۶۹

باغ همیشه سبز
بررسی خاستگاه و مراحل اولیه شکل گیری تصوف
نویسنده: تور آندره
با مقدمه آنهماری شیمل
مترجم: فاطمه هشترودی
چاپ نخست: ۱۳۹۴
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
حروفچینی و آماده سازی: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتبه
حق چاپ محفوظ است.

شرکت انتشارات
علمی و فرهنگی



اداره مرکزی و مرکز پخش: خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان، پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۴۳۱۳؛ صندوق پستی: ۹۶۴۷ - ۱۵۸۷۵؛ تلفن: ۷۰ - ۸۸۷۷۴۵۶۹؛ فکس: ۸۸۷۷۴۵۷۲؛ تلفن: ۲۹ - ۸۸۶۶۵۷۲۸؛ تلفکس: ۴۵ - ۸۸۶۷۷۵۴۴
آدرس اینترنتی: www.elmifarhangi.ir info@elmifarhangi.ir
www.ketabgostar.com info@ketabgostar.com

فروشگاه یک: خیابان انقلاب، رویه روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۱۶ - ۶۶۴۰۰۷۸۶
فروشگاه دو: میدان هفت تیر، خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛ تلفن: ۸۸۳۴۳۸۰۶-۷

فروشگاه سه: جمهوری، چهارراه شیخ هادی، نیش رازی، پلاک ۶۹۹
فروشگاه چهار: بزرگراه شهید حقانی، بعد از ایستگاه مترو حقانی، خروجی کتابخانه ملی، کتابخانه ملی (نمایشگاه و فروشگاه دائمی کتاب)
فروشگاه پنج: خیابان کارگر شمالی، رویه روی پارک لاله، نیش کوچه ستاره، نمایشگاه و فروشگاه محصولات فرهنگی سازمان تأمین اجتماعی، پلاک ۱

فهرست مطالب

به جای تقریظ هفت

سخن مترجم نه

۱. تعامل مسلمانان با مسیحیان سیزده

۲. پیشینه زهد و رهبانیت شانزده

۳. وحی و تجربه عرفانی بیست و سه

زندگینامه تور آندره بیست و شش

مقدمه آنه‌ماری شیمل سی و هفت

مقدمه مترجم متن سوئدی چهل و سه

باغ همیشه سبز

پیشگفتار ۱

فصل اول: اسلام و مسیحیت ۹

فصل دوم: زهد ۵۱

فصل سوم: عزلت و معاشرت، عارف و دنیا	۸۷
فصل چهارم: زندگی درونی	۱۱۳
فصل پنجم: خدای یگانه	۱۳۷
فصل ششم: توکل و عشق	۱۶۳
منابع مؤلف	۱۹۱
مآخذ مترجم فارسی	۱۹۳
نمایه	۱۹۷

به جای تقریظ

آنهماری شیمل از اسلام‌شناسان و صاحب‌نظران در تصوف و عرفان اسلامی که علاقه‌مندان به کتاب در ایران با تألیفات او آشنایند و احتمالاً اثر ارزشمندش، شکوه شمس، را خوانده‌اند، درباره کتاب باغ همیشه سبز که اکنون پیش روی خواننده است، چنین نوشته:

«هنگامی که کتاب باغ همیشه سبز تورآندره اندکی پس از مرگ نویسنده فاضل آن منتشر شد، از آن‌جا که یکی از بزرگترین تحسین‌کنندگان کتب نخستین او، به‌ویژه مطالعات حکیمانه وی درباره پیامبر اسلام بودم، لازم دانستم این کتاب جدید را بخوانم؛ از این رو زبان سوئدی آموختم و هنگامی که این اثر پس از جنگ در آلمان به دستم رسید، آن را بسیار جالب‌تر از آن‌چه می‌پنداشتم، یافتم و برآن شدم که آن را به آلمانی ترجمه کنم؛ اما در سال ۱۹۶۰ میلادی ترجمه آلمانی آن به‌قلم هانس هلمهارت کانوس^۱ منتشر گردید. پس از پیوستن به دانشگاه هاروارد، مطالعه کتاب را برای دانشجویان انگلیسی‌زبان ضروری یافتم، اما فرصت ترجمه آن را نداشتم، تا اینکه بریگیته شارپ^۲ در طول ملاقاتم در سیدنی، داوطلب ترجمه کتاب شد.»

1. Helmhart Kanus Crede

2. Brigitta Sharpe

این عبارت شیمیل که در نخستین بند از مقدمه او بر ترجمه انگلیسی باغ همیشه سبز آمده، هر علاقه‌مند به مباحث تصوف را برمی‌انگیزد که این کتاب را بخواند و با مؤلف آن تورآندره، اسلام‌شناس و صاحب کرسی تاریخ ادیان در اوپسالای سوئد و خاصه با روش روان‌شناختی او در مطالعات دینی، آشنا شود.

افزون بر این، آنچه بر اهمیت و ارزش این اثر می‌افزاید اهتمام نویسنده آن به یکی از اصلی‌ترین مباحث تاریخ اسلامی، یعنی ریشه‌ها و داد و ستدهای آن با عرفان دیگر ملل و ادیان (مسیحی، یهودی، هندی، نوافلاطونی و...) است. اهمیت این موضوع چندان است که هیچ اثری در تاریخ تصوف اسلامی نگاشته نشده مگر آن که مبحثی یا فصلی به‌اختصار یا به‌تفصیل بدان اختصاص داده‌اند و البته در این باب گاه به‌واقع و حقیقت نزدیک شده‌اند و گاه با نظرات سخت مغرضانه یا جاهلانه از آنان، نظیر این سخن که «تصوف گیاهی بیگانه در شنزار اسلام بوده است» روبه‌رو می‌شویم. از این‌رو، آشنایی با نظرات تور آندره در این باب و دیگر مباحث تصوف، برای فارسی‌زبانان که اکنون تنها این کتاب او را در اختیار دارند و علاقه‌مندند که از دیدگاه او راجع به این مسأله اصلی، در مقایسه با دیدگاه‌های دیگر صاحب‌نظران اروپایی چون گلدزیهر، نیکلسن و محققان ایرانی چون قاسم غنی، عبدالحسین زرین‌کوب و دیگر دانشمندان مسلمان آگاه شوند، مغتنم بل ضروری است؛ خاصه آن‌که مترجم محترم در مقدمه خود بر این ترجمه، این مسأله مهم را با عنایتی خاص بررسی و تبیین کرده است.

امید می‌رود این اثر متناسب با عنوانش، باغ همیشه سبز، که استعاره‌ای گویا و رسا از تصوف و عرفان اسلامی است و اشارتی شایسته و درخور به محتویات آن دارد، خوانندگان را دانش و بینش بیفزاید.

لله الحمد اولاً و آخراً
هادی عالم‌زاده

سخن مترجم*

مطالعات و تحقیقات اروپاییان درباره تصوف در یک و نیم قرن گذشته با کوشش‌هایی پیگیرانه و با تکیه بر مدارک و اطلاعات جمع‌آوری شده در دوره‌های تاریخی مختلف و البته مشروط به مقتضیات زمان، و گاه تعصبات و انواع فرضیات پیشینی بوده است. از این‌رو در مواجهه آنان با تصوف، با تئوری‌ها و الگوهای ناهمگون روبه‌رو می‌شویم. کاملاً آشکار است که طرح تئوری‌ها در دوره‌های تاریخی مختلف منوط به مقتضیات زمان و انواع فرضیات غالب است. اولین تصویری که از تصوف در اروپا شکل گرفت حاصل یادداشت‌های شخصی مسافران، بازرگانان و مأموران دولتی بود که بیشتر محدود به جنبه‌های عجیب و غریب زندگی صوفیان و مباحث سطحی درباره آن می‌شد. اما مطالعات جدی در زمینه شناسایی ماهیت و خاستگاه تصوف به قرن نوزدهم میلادی برمی‌گردد. گام بزرگ در این زمینه را دانشمند مجارستانی گلدزیهر برداشت.^۱ او تصوف را تعالیم زاهدانه و فطری اسلام تعریف کرد که در ضمیر نوافلاطونی شکل گرفته بود.

* این ترجمه و تحقیق در اصل پایان‌نامه کارشناسی ارشد مترجم بوده که در تیرماه ۱۳۸۶ در گروه ادیان و عرفان تطبیقی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران از آن دفاع شده است.

1. Janaz Goldzieher (1850-1921)

همکار هلندی او کریستین اسناک^۱ به پیروی از او تصوف را محصول مواجهه اسلام با ادیان قبل از خود و نیز بودایی- هندویی دانست. او نظریات ماسینیون را که تلاش داشت تا تصوف را در دل قرآن و سنت پیامبر تعریف کند رد می‌کرد. او اسلام را حدّ وسط بین مسیحیت و یهودیت می‌دانست و تصوف را به‌عنوان زادهٔ عناصر عرفانی آنها معرفی کرد. کارل بیکر،^۲ دانشمند آلمانی با تأکید بر عناصر خشک، بی‌روح و زاهدانهٔ تصوف که راه زندگی ابدی را هموار می‌کنند، تصوف را در اعلیٰ درجهٔ تکامل خود-وحدت وجود- نمادی از پوچ‌گرایی دینی تعریف کرد. به اعتقاد داگلاس مکدونالد،^۳ مبلغ آمریکایی-اسکاتلندی، که تصوف را در دوره‌های مختلف طبقه‌بندی کرده، تصوف ابتدا با اعمال زاهدانهٔ مسلمانان سنتی شروع شده و در طی قرون در مصالحهٔ اسلام با حکومت اسلامی به‌صورت عرفان اسلامی در غزالی تجلی یافته است.

یکی از قابل توجه‌ترین مطالعات در این زمینه کتاب حاضر است که آن را اسقف سوئدی، تور آندره با نام باغ همیشه سبز^۴ به‌زبان سوئدی به‌رشتهٔ تحریر درآورده است. آندره از تاریخ‌دانانی است که بخش اعظم پژوهش‌های خود را به‌ویژه در دهه ۱۹۲۰ به اسلام‌شناسی اختصاص داده است. او به‌عنوان یکی از بزرگترین بنیانگذاران مطالعات اسلامی جدید در غرب شناخته شده است و این کتاب او نمونه‌ای است برجسته از آن پژوهش‌ها. یکی از تلاش‌های برجستهٔ آثار آندره، نشان دادن ارتباط بین دوره‌های کلاسیک و جدید در مطالعات دینی است. او با استفاده از روش‌های روان‌شناسی به‌عنوان ابزاری ارزشمند برای توضیح احتمالات تاریخی و پدیدارشناسی ماهیت درونی تجربهٔ دینی، به بررسی تأثیرات متقابل یهودیت، مسیحیت و اسلام به دور از تعصبات عقیدتی می‌پردازد. آندره در این کتاب با پرهیز از اشارات و کنایات اختلاف‌برانگیز دینی،

1. Christian Snouck Hurgronje (1857-1936)

2. Carl Becker (1876-1933)

3. Douglass Macdonald (1865-1943)

4. I Myrtrénträdgården: Studies i tidig islamisk mystik (First published by Albert Bonniers Forlag, 1947)

عرفان اولیهٔ اسلام را با رهبانیت مسیحی مقایسه می‌کند. هر چند امروزه دیگر فرضیاتی که خاستگاه عرفان اسلامی را در ادیان باستانی ایران، مسیحیت و بودایی جستجو می‌کنند، منسوخ شده‌اند، اما هنوز هم حلقه‌های گمشده‌ای در این حوزه وجود دارد که باید در جستجوی آنها کوشید.

اصل کتاب *باغ همیشه سبز* به زبان سوئدی است که در سال ۱۹۶۰ توسط هانس هلمه‌هارت کانوس^۱ به آلمانی ترجمه شده است. اینجانب ترجمه متن آلمانی کتاب را شروع کرده بودم که دریافتم ترجمه انگلیسی آن را بریگیته شارپ^۲ با مقدمهٔ دانشمند آلمانی خانم آنه‌ماری شیمل، در سال ۱۹۸۶ انجام رسانده است؛ از این رو، برای تکمیل فایده، مقدمهٔ خانم شیمل را نیز ترجمه و بر مقدمه کتاب افزودم. از آن جا که این کتاب اولین اثر تور آندره است که به فارسی ترجمه و چاپ شده، با استفاده از نوشتار اریک شارپ^۳ خلاصه‌ای از زندگینامه وی تهیه کرده و در مقدمه آورده‌ام تا خوانندگان بیشتر با این نویسندهٔ سوئدی آشنا شوند.

از سوی دیگر برای رفع پاره‌ای از ابهامات و اطمینان از برداشت‌ها عنداللزوم به متن انگلیسی نیز مراجعه کردم. متن انگلیسی گاه حاوی توضیحاتی افزون بر متن اصلی است که به‌ضرورت آنها را به ترجمهٔ خود اضافه کرده‌ام. احادیث و حکایات فراوانی که در کتاب آمده، بیشتر به صورت مفهومی نقل شده‌اند؛ از این رو، این نقل‌ها را در ترجمه با اصل عربی مطابقت داده، در مواردی نیز برداشت‌های ناصواب مؤلف را تصحیح کرده‌ام. باید افزود که به هنگام چاپ دست‌نوشته‌های آندره پس از مرگش، پاورقی‌های آن به‌طور صحیح کنترل نشدند و در ترجمه آلمانی آن نیز مورد بازبینی قرار نگرفتند. از این رو، احتمال وجود اشتباهات در پاورقی‌ها بسیار است و خواننده ممکن است شاهد تناقض‌هایی در آنها باشد؛ از این رو در بررسی و بازبینی پاورقی‌ها از هر دو ترجمهٔ انگلیسی و آلمانی و نیز متن سوئدی استفاده کردم و تا جایی که امکان داشت موارد مشکوک را که در

1. Hans Helmhart Kanus Crede

2. Brigitta Sharpe

3. Eric Sharpe

ترجمه انگلیسی نیز با علامت سؤال مشخص شده، واری شده، نشانی‌های صحیح را جایگزین نمودم. کلیه ارجاعات در متن آلمانی و همچنین انگلیسی به کتاب *عوارف/المعارف* چاپ شده در حاشیه *احیاء علوم/الدین* اشتباه بود، از این رو منقولات و نشانی‌های درست آنها را بر پایه منابع اصلی در ترجمه خود ذکر کردم. جای بس شگفتی است که این خطاها از نظر مترجم انگلیسی نیز دور مانده است. مواردی را هم که آندره به نسخ خطی استناد کرده بود، با نسخ چاپی که قابل دسترس برای خوانندگان باشد، جایگزین کرده‌ام. در ترجمه آیات *انجیل* یا *قرآن* به خود این کتاب‌ها مراجعه و آنها را نقل کرده‌ام. در مورد اشعار عربی نیز چنین عمل شده است. در بعضی موارد که به مضمون اشعار استشهد شده بود، عین آنها را آورده‌ام.

در این جا شایسته است که از راهنمایی‌های استاد ارجمند جناب آقای دکتر فتح‌الله مجتبابی که از سر لطف ساعتی از وقت گرانبهای خود را به رفع ابهامات متن اختصاص دادند، و از جناب آقای دکتر هادی عالم‌زاده به دلیل نوشتن مقدمه بر این اثر و نیز فراهم آوردن زمینه‌های چاپ آن کمال تشکر را بنمایم. همچنین از جناب آقای دکتر قنبرعلی رودگر که ویراستاری متن را انجام داده‌اند و در یافتن نشانی پاورقی‌ها و در موارد ضروری تطبیق با متن عربی به این جانب کمک کرده‌اند، سپاسگزاری می‌کنم؛ همچنین از زحمات دوستان عزیزم سرکار خانم سمانه تولیتی و سرکار خانم ارسنجانی که کتاب را مطالعه کرده با نظرات خویش مرا در رفع نواقص و اشکالات آن یاری رساندند، تشکر می‌نمایم. از خداوند متعال توفیق و سلامت همه آنان را خواستارم.

خوانندگان محترم را یادآور می‌شوم که این ترجمه نخستین قلمزنی اینجانب است و از عیب و نقص عاری نیست. در ترجمه سعی کرده‌ام تا ضمن وفاداری به متن و ارائه ترجمه‌ای ساده و روان، زیبایی و جذابیتی را که نویسنده در متن اصلی خلق کرده است، تا حد امکان به خواننده فارسی‌زبان منتقل کنم. ترجمه این کتاب البته به معنای قبول همه نظرات نویسنده نیست و فقط قصد معرفی یکی از مراجع بسیار مهم و معتبر در زمینه ادیان تطبیقی در میان بوده است که از سوی نویسندگان

معروفی چون آنه‌ماری شیمل، ویلیام چیتیک^۱، ویکتور دانر^۲، چارلز آدمز^۳ ستوده شده است.

این کتاب را به همه پژوهندگان و دوستداران این‌گونه مباحث هدیه می‌کنم. باشد که این ترجمه گامی کوچک در راه آگاهی، تفاهم و دوستی بیشتر میان ادیان باشد.

در پایان برای آن که خواننده محترم بتواند با افق وسیع‌تری از مطالب کتاب بهره‌مند گردد و با معانی مطرح شده در کتاب با نویسنده به تفاهم درستی برسد، لازم دیدم تا نکاتی را در باب چند موضوع محوری در این مقدمه ذکر کنم:

۱. تعامل مسلمانان با مسیحیان

۲. پیشینه زهد و رهبانیت

۳. وحی و تجربه عرفانی

۱. تعامل مسلمانان با مسیحیان

همان‌گونه که شواهد تاریخی نشان می‌دهد، اسلام در خاور نزدیک و میانه در محیطی مسیحی بالید. همزیستی مسلمانان و مسیحیان با گسترش فتوحات اسلامی تقویت شد و حلقه ارتباط میان آنها را پررنگ‌تر کرد. در بسیاری از کشورهایی که توسط مسلمانان فتح می‌شد، بسیاری از مسیحیان با وجود مغلوب شدن، ایمان خود را حفظ می‌کردند. گفته شده است که پیامبر(ص) هیأتی از چهل روحانی مسیحی به سرپرستی یک اسقف مسیحی به نجران فرستاد تا بدین ترتیب از مسیحیان آن‌جا حمایت کند. از این‌رو، اسقفان، راهبان، روحانیون و تارکان دنیا و هیچ‌کدام از مسیحیان مجبور به ترک خانه و دیار خود نشدند.^۴ بدین ترتیب، غیرمسلمانان مجاز بودند تا آیین خود را نگاه دارند.^۵ همان‌طور که آندره

1. William C. Chittick

2. Victor Danner

3. Charles J. Adams

4. Smith, Margaret, *The Way of the Mystics*, p.108.

5. Peri, Oded, *Christianity under Islam in Jerusalem*, pp. 51-54;

حتی، فیلیپ، تاریخ عرب، ج ۲، صص ۶۵۳-۶۵۴.

نیز در کتاب خود آورده، اسقف نسطوری در سال ۶۴۹ میلادی می‌نویسد: «عرب‌ها نه تنها از مبارزه با مسیحیت پرهیز می‌کنند، بلکه به دین ما نیز توصیه می‌نمایند، روحانیان و قدیسان را محترم شمرده، به دیرها و کلیساها هدایا می‌بخشند».

ارتباط مسیحیان با مسلمانان پیوندی ساده و معمولی نبود، بلکه به‌عکس بسیار دوستانه و صمیمی بود. مسیحیان از احترام و اعتبار خاصی نزد مسلمانان برخوردار بودند. ماتیاس^۱ بنیانگذار دیر بزرگ اسنه^۲ مشاور حاکم مسلمانان بود و هدایایی برای وی از جانب حاکم فرستاده می‌شد. رابطهٔ دوستانهٔ راهبان با حاکمان مسلمان، از یک سو نشان‌دهندهٔ حمایت عملی از آنان بود که درواقع چندان انتظار آن نمی‌رفت و از سوی دیگر، نشان‌دهندهٔ احترام خاصی بود که حاکمان برای کلیسای نسطوری قائل بودند. در اوایل حکومت اسلامی، مصریان حتی اجازهٔ ساختن کلیساهای جدید را داشتند و مجاز بودند تا تبلیغات فراگیری برای دین خود انجام دهند،^۳ مثلاً آتاناسیوس ادسائی^۴ اجازه یافت تا کلیساهای و دیرهای بسیاری در مناطق زیر فرمانروایی عبدالملک برپا سازد. بخصوص در دوران حکومت عباسیان، کلیسا پیشرفت بسیار کرد چنانچه حدود صد قلمرو اسقفی در بیست‌وپنج ناحیه مدیترانه تأسیس شد.^۵ نمونه‌های بسیاری از حمایت‌های حاکمان مسلمان از دیرهای مسیحی وجود دارد،^۶ ظاهراً آنان از کلیساهای دیرهای مسیحی نیز بازدید می‌کردند. دیر نحیا^۷ در بین مسلمانان شناخته شده و مورد احترام بود.^۸ در بعضی جاها ظاهراً مسلمانان اجازه داشتند برخی از آیین‌های مسیحیان را همراه با آنان انجام دهند؛ در اسنه مسلمانان همراه با مسیحیان در جشن میلاد مسیح شرکت می‌کردند و

1. Matthias

2. Esneh

3. H. Little, Franklin, *Historical Atlas of Christianity*, p.65.

4. Athanasius of Edessa

5. Smith, p.121.

۶. شیخو، لوئیس یسوعی، النصرانیة و آدیبا بین عرب الجاهلیة، ص ۱۰۰.

7. Nahya

۸. طبق روایت، موسی در زیر دیوار این دیر بیتوته و باغچه‌ای را درست کرده بود که یک چرخ آبی داشت.

رفتاری برادرانه با یکدیگر داشتند. امروزه مراسمی شبیه به آن را در جشن شَمّ النسیم (جشن دوشنبه عید پاک قبطیان)^۱ ملاحظه می‌کنیم که از سوی مسلمانان و قبطیان جشن گرفته می‌شود.^۲

از سوی دیگر، ارتباط نزدیک مسلمانان با مسیحیان سبب ازدواج مردان مسلمان با زنان مسیحی شد. در بسیاری از موارد، آنها با زنانی که به اسارت می‌گرفتند ازدواج می‌کردند. بعضی از این زنان که به دین جدید در می‌آمدند، احتمالاً امتیازاتی از سوی اربابانشان برای آنان در نظر گرفته می‌شد. این ازدواج‌ها نه تنها در ایجاد روابط دوستانه بین مسلمانان و مسیحیان اهمیت فوق‌العاده داشت، بلکه مادران مسیحی فرصت یافتند تا بدین طریق بر نسل بعدی مسلمانان تأثیر بگذارند. فرزندان چنین ازدواج‌هایی با نام مسلمان، اما از ذریه مادران مسیحی بودند.

در امور کشورداری، مسلمانان علاوه بر ارتباط نزدیک با مسیحیان، به مقدار زیادی نیز به آنان وابسته شدند، چرا که مسیحیان در زمینه علوم مختلف صاحب دانش بیشتری بودند. در مصر عیسویان به‌عنوان منشی و کارمند، در اداره دولت سهیم شدند. در زمان خلفای اموی، مسیحیان شام به مناصب عالی در قضا و امور مالی دست یافتند. همچنین در زمان معاویه، حاکم مدینه، مسیحیان را به کار نگهبانی شهر مقدس گماشته بود،^۳ حتی از پدر یوحنا دمشقی به‌عنوان مشاور خلیفه عبدالملک (۶۸۵-۷۰۵م) نام برده شده است.

اسکندریه، دمشق، بغداد و ادسا^۴ از مراکز متمدن آن روزگاران هنگام فتوحات مسلمانان تحت تأثیر افکار یونانی‌مآبی بودند. بنابراین مسیحیان در موضوعات مربوط به فلسفه، ستاره‌شناسی، فیزیک و طب دارای اندیشه‌های معینی بودند. از این‌رو مسلمانان آگاهانه یا ناخودآگاه با افکار مسیحیان آشنا شدند یا به عبارت دیگر درواقع آنان با فرهنگ مسیحی و یونانی‌مآبی که خاستگاهی در فرهنگ بومی آنان نداشت، پیوند یافتند.

1. The Feast of Shamm al-Nassim 2. Smith, p.122.

۳. فارج، فیلیپ و کرباج، یوسف، *المسیحیون و الیهود فی التاریخ الاسلامی العربی و التركي*، ص ۲۴.

4. Franklin, p.65.

مسلماناً مسیحیان و مسلمانان در مناطقی که مسیحیت بیشتر رواج داشته، در همزیستی با یکدیگر در شیوه‌های غیرسنتی از هم تأثیر پذیرفته‌اند و یا احتمال دارد مسیحیانی که مسلمان شدند ناخودآگاه جنبه‌هایی از فرهنگ و آیین مسیحیت را به مرور وارد جامعه اسلامی کرده باشند. البته حقیقتی که از نظر نباید دور بماند این است که این ارتباطات در روند تکامل اصول اساسی دین اسلام و آیین اصیل آن نقشی نداشته است همان‌طور مطالعات اخیر نشان داده خاستگاه تصوف بیش از آن‌که متأثر از عناصر خارجی باشد ریشه در تعالیم قرآن داشته و همواره ذات و جوهر اسلامی خود را حفظ کرده است.^۱

از سوی دیگر، تأمل در سیر تاریخی عرفان به‌روشنی پرده از این حقیقت بزمی دارد که عرفان نه تنها نشان‌دهنده اصل گرایش فطری انسان به سوی حقیقت است،^۲ بلکه در برگیرنده صور عقاید گوناگونی است که در شرایط محیطی یکسان، آن صورت‌ها به هم نزدیک می‌شوند. بنابراین در حالی که مشاهده می‌شود نوعی از عرفان به نوع دیگری از آن شبیه است و این انواع در بیان چنان به هم نزدیک‌اند که می‌توان آنها را از یک خانواده پنداشت، اما هر کدام می‌تواند در درون خود رشد خودجوشی داشته باشد که از تمنا و طلب روح انسان برای تجربه مستقیم و شخصی از الوهیت نشأت گرفته است. بنابراین، پیش از آن که به دنبال آن باشیم که سابقه و خاستگاه عرفانی را در عرفان دیگری جستجو نماییم، باید آن را در گرایش روح انسان برای رسیدن به الوهیت ببینیم که بیانگر حقیقت وابستگی درونی انسان با اصل و خاستگاه خود است.

۲. پیشینه زهد و رهبانیت

بررسی پیشینه رهبانیت و زندگی ریاضت‌مآبانه در عربستان و مناطق مجاور نشان می‌دهد که این نوع زندگی با مسیحیت آغاز نشده است، بلکه

۱. شیمل، آنه ماری، *ابعاد عرفانی اسلام*، صص ۴۴-۴۸؛ سلیمان حشمت، "تصوف، مستشرقان و تصوف"، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۷، ص ۴۵۱.

2. Burckhard, Titus, *An Introduction to Sufi Doctrine*, pp.16-19.

رهبانیت در میان عده‌ای از یهودیان نیز وجود داشته است. در کتاب‌های فیلون و یوزفوس نمونه‌هایی از رهبانیت یهودی ذکر شده است. تراپیوتای^۱ (شفادهندگان) در زمره گروه‌های ریاضت‌کشی بودند که مراسم و اعمال عبادی آنان را فیلون شرح داده است.^۲ اسنی‌ها انضباط سختی را برای خود وضع نموده بودند و پرهیزهای خاصی را رعایت می‌کردند.^۳

مدارک تاریخی نشان می‌دهد که ریشه‌های زندگی رهبانی حتی پیش از یهودیت، در آیین مشرکان یا کافران مصری قابل جستجو است. در فیوم^۴ مصر گروه‌های ریاضت‌کش در سال‌های ۳۴۰ قبل از میلاد وجود داشته‌اند. در آیین مشرکان یا کافران مصری به هنگام پرستش ایزیس و سراپیس، اعمال ریاضت‌مآبانه‌ای انجام می‌شد که شامل گوشه‌نشینی در یک اتاق کوچک و تجرد و دوری از جنس مخالف می‌شد.

مصر، اولین جایگاهی که رهبانیت در آن شکل یافته و نقش اصلی را در جهان مسیحیت از آغاز قرن چهارم تا نیمه قرن پنجم بر عهده داشته است.^۵ بی‌تردید اذیت و آزار مسیحیان در مصر از قرن دوم میلادی به بعد بسیاری از آنان را به سوی بیابان‌ها و کوه‌ها راند تا مکان امنی پیدا کنند. از این‌رو، در سال ۳۰۰ میلادی بیشتر راهبان مسیحی زندگی مرتاضانه داشتند.^۶

رهبانیت از مصر به فلسطین و سوریه آمد و نوع رهبانیت آنتونی در آن‌جا گسترش یافت و برخلاف رهبانیت مصر که خلوص و تطهیر قلب را مقدم بر ریاضت جسمانی می‌دانست، در این‌جا بیشتر برجسته زاهدانه آن تأکید شد.^۷ شواهدی از زندگی مرتاضانه همراه با دوره‌گردی در مدارک قرن سوم در جنوب سوریه یافت شده است. هیلاریون (۲۹۰م)^۸ را

1. Therapeutae

۲. پیترز، اف.ئی، یهودیت، مسیحیت و اسلام، ج ۳، صص ۱۹۹-۱۹۴.

3. Smith, p.10.

4. Fayoum

5. Franklin, pp.59-60.

۶. پیترز، اف.ئی، ج ۳، صص ۳۱۸-۳۲۳.

7. Franklin, p.60; Griffth, Sidney, *Arabic Christianity in the Monasteries of Nith-Century Palestine*, pp.1-28.

8. Hilarion

بنیانگذار زندگی راهبانۀ دیری در فلسطین می‌دانند. او در حظیره‌ای محقر نزدیک غزه زندگی می‌کرد و نقل شده که دو تا سه هزار راهب اطراف او گرد آمده بودند. در زمان مرگش زندگی رهبانی و دیرنشینی در تمام بخش‌های فلسطین دیده می‌شد. بعضی از دیرهای اورشلیم و بیت اللحم حاصل تلاش‌های اوست.^۱

در سوریه شاهد رهبانیت دیگری هستیم که توسط آئونز^۲ بنا نهاده شد. در اوایل قرن چهارم میلادی پیروان او زندگی راهبانه و مرتاضانۀ سختی را بر خود تحمیل می‌کردند؛ مثلاً سنگ یا آهن سنگین بر پشت خود حمل می‌کردند و یا با بدن عریان در سرمای شدید زمستان یا گرمای سوزان تابستان زندگی می‌کردند. از آن‌جا که پیروان این شیوۀ ریاضت سخت، برگ و ریشه‌ها را می‌خوردند، به «علف‌خواران»^۳ مشهور شدند.^۴

اما ریاضت‌کشان اصلی و مشهور در سوریه در پایان قرن چهارم میلادی به‌ظهور رسیدند. پدرسیمون (شمعون قدیس)^۵ یکی از معروف‌ترین آنان بود که روایاتی درباره معجزات او نقل شده است.^۶ زائران بسیاری از کشورهایی چون ایران، ارمنستان و صحرای عرب برای دیدن او می‌آمدند. تئودورت^۷ مورخ می‌گوید که وی بیمارها را شفا می‌داد، بر کرسی قضا می‌نشست و بر مردم و برنامه‌های کلیسا بسیار نفوذ داشت. او اگریوس^۸ درباره او می‌گوید: «جایگاه وی در میان آسمان و زمین بود، با خداوند ارتباط داشت و فرشتگان در ستایش خداوند با او هم‌نوا بودند». چنین راهبان و تارک دنیاهایی در زمان خود بسیار مورد ستایش و تکریم بودند. نصایح و سخنان آنها درباره دنیا و دین، نزد مردم بسیار ارزشمند بود.

در آسیای صغیر نیز گرایش‌های رهبانی و مرتاضانه کم نبود. مونتانوس^۹ بنیانگذار رهبانیت در آن منطقه، ریاضت‌های سخت و شدیدی

1. Binns, John, *An Introduction to the Christian Orthodox Churches*, pp.116- 118.

2. Aones or Eugenius

3. Grazer

4. Smith, pp.19-21.

5. St. Simon

6. Spencer, Sidney, *Mysticism in World Religion*, pp. 225-226.

7. Theodore (a.d. 387 to c. 458)

8. Euagrius

9. Montanus (a.d. 157)

را همچون تحریم ازدواج وضع و قوانین دشواری را برای روزه اعلام کرد؛ هر چند برخی از رهبران کلیسای مسیحی انطاکیه همچون آپولونیوس^۱ و سراپیون^۲ این فرقه را بدعت‌آمیز خواندند، اما این فرقه همچنان گسترش یافت و بر رواج رهبانیت در آسیای صغیر تأثیر گذاشت.^۳ اوستاتیوس سباسته‌ای^۴ یکی از شخصیت‌های برجسته این فرقه رهبانی بود که ازدواج را خصوصاً برای راهبان ممنوع و روزه یکشنبه‌ها را اجباری کرد. تعلیمات او بر چشم‌پوشی از علاقه و رابطه خانوادگی و نیز جدایی میان زنان و مردان تأکید داشت.

قدیس باسیل کبیر^۵ (۳۲۹م) بنیانگذار نوع یونانی رهبانیت است. او شیوه کوننویتیک (رهبانیت جمعی)^۶ رایج در آسیای صغیر را برگزیده بود. از آن جا که او بر حیات جمعی تأکید داشت، دیرهای جداگانه‌ای برای مردان و زنانی تأسیس کرد که تحت سرپرستی یک پدر و مادر روحانی اداره می‌شد. قدیس باسیل کوشید تا وحدتی میان کار و زندگی مراقبه‌ای ایجاد نماید. او ریاضت سخت را محدود نمود، چرا که از نظر او کار بسیار مهمتر از روزه بود. او وظیفه‌ای را برای راهبان تعیین نمود که آنها را ملزم به چشم‌پوشی از دنیا و مال و دارائی می‌کرد. راهبان او در روز دو وعده غذا می‌خوردند که شامل نان، آب، سبزیجات و میوه می‌شد. او همچنین ساعات مشخصی را برای نماز تعیین نمود و خواب و استراحت را به ساعات اندکی محدود کرد. لباس راهبان ساده، ولی کافی بود. آنان که باسواد بودند به دختران و پسران تازه وارد آموزش می‌دادند. مسئول دیر دارای حق و امتیاز ویژه‌ای بود، با این حال از سوی شورایی متشکل از برادران دارای مراتب بالاتر حمایت و مراقبت می‌شد.^۷ نظام رهبانی باسیل پیشرفت قابل توجهی در رهبانیت اولیه مصر پس

1. Apollonius

2. Serapion

3. Smith, p.23.

4. Eustathius of Sebaste

5. St. Basil

6. Coenobitic

7. Walker, Willston, *A History of the Christian Church*, p.125; Davies, J.G. *The Early Christian Church*, p.245.

از درآمیختن با فرهنگ و اندیشه یونانی به دست آورد. رهبانیت باسیلی در قرن ششم میلادی در فلسطین و سوریه گسترش یافت و تبدیل به قانون متداول آسیا شد. امروزه شواهدی از رهبانیت دیری رایج در فلات آناتولی وجود دارد که نشان می‌دهد هنوز دیرها با این نظام رهبانی اداره می‌شوند.^۱

رهبانیت از سوریه و مصر با سرعت به ایران و مدیترانه گسترش یافت. ادسا^۲ شاهراه تجاری میان صحرای سوریه و کوه‌های ارمنستان به‌شمار می‌آمد. مسیحیت در آن‌جا در قرن دوم میلادی بنیان نهاده شد.^۳ ظاهراً بنیانگذار اصلی رهبانیت در مدیترانه، مارآوگین،^۴ صیاد مصری است. وی در بازگشت از صومعه^۵ پاکومیوس تعدادی راهب را به همراه خود آورد و در نزدیکی نصیبین^۶ صومعه‌ای بنا کرد و بدین ترتیب، در گسترش رهبانیت دیری در این منطقه نقش قابل توجهی را برعهده گرفت.

ابداس^۷، عبدیشوع^۸ و جبللاها^۹ رهبانیت دیری را در بابل و عربستان بنیان نهادند. در قرن پنجم میلادی رهبانیت نه تنها در مدیترانه، آشور و عربستان، بلکه در ماد،^{۱۰} فارس، ارمنستان، بلخ^{۱۱}، هند و نیز در میان هون‌ها^{۱۲} و پرسیه‌مانی‌ها^{۱۳} و مادها^{۱۴} رواج یافت. در بسیاری از مناطق ایران تعداد بیشمار کلیسا، اسقف و مردم مسیحی و نیز شمار زیادی راهب که دعوت به گوشه‌نشینی و رهبانیت می‌کردند، وجود داشتند.^{۱۵}

یکی از راهبانی که گفته شده اندیشه‌های او در تصوف اولیه تأثیر گذار

1. Elser, Philip, *The Early Christian World*, vol. I., p. 353-357.

پیترز، اف.ئی، ص ۲۲۸.

2. Edesa

3. Hen, J.W., *Drijvers, East of Antioch*, pp.4-33.

4. Mar Awgin

5. Nisibis

6. Abdas

7. Ebedjesus

8. Jaballaha

9. Media

10. Bactria

11. Huns

12. Persemani

13. Medes

14. Elamites

15. Smith, pp.27-30.

بوده است، افرآت^۱ (۳۳۷م) راهب ایرانی است که آگاهی‌های عمیقی از اناجیل و الهیات مسیحی داشت و به زبان سریانی می‌نوشت. او نه تنها یک راهب، بلکه اسقف صومعهٔ مارمٹای^۲ نزدیک موصل نیز بود. او روش بسیار خشن و سخت‌گیرانه‌ای داشت و بسیار بر مجرد تأکید می‌کرد. برخی از محققان معتقدند که از میان تعالیم عرفانی مسیحیت، بیش از همه تعالیم افرآت و کتاب قدیس هیروئتئوس^۳ و اسحق نینوایی در تصوف تأثیرگذار بوده‌اند.

بدین ترتیب می‌بینیم که رهبانیت فردی یا گروهی و انواع متعدد زندگی مرتاضانه در بسیاری از مناطق رواج داشته است. در واقع مبارزه با نفس همواره راهی بوده که بسیاری از انسان‌ها برای رسیدن به حقیقت سرلوحهٔ زندگی خویش قرار داده‌اند و معمولاً شیوه‌های آن با فرایند تکامل عرفان در ارتباط است. هم صوفیان و هم راهبان به طرق مختلف نفس‌کشی می‌کردند، زیرا از نظر هر دو نفس یا شهوت منشأ شر و بدی محسوب می‌شد. تحقیر جهان، انزجار از جذابیت‌ها و پرهیز از متعلقات آن و برگزیدن مجرد، عزلت و گوشه‌نشینی در بیابان از خصوصیات تصوف اولیه است که در رهبانیت مسیحیت نیز شاهد آن هستیم. اهل صفة که عموماً اهل فقر و ذکر بودند، در زمان خود تنها گروهی بودند که با تمسک به قرآن و سنت، به شدت به تزکیهٔ نفس می‌پرداختند. هجویری نام ۲۱ تن را همراه با احادیثی در شأن آنان آورده است و آنان را «فقراى مجاهد و رفیق پیامبر» در آخرت خوانده است و ابونعیم در حلیه الاولیاء شرح حال ۵۱ تن را آورده است. وقتی به زندگی صحابه بنگریم درمی‌یابیم که صوفیان اولیه، همان زاهدان مسلمانی بودند که زهد و تقوای افراطی آنان بیشتر از خوف

1. Aphraate

مسأله اصلی رهبانیت افرآت اقرار به تثلیث و دست‌یافتن به مقام و جایگاه روح‌القدس است. برای تحقق این امر، انسان باید روزه، نماز، عشق، عفت، پارسایی، حزن و اندوه پیشهٔ خود کند. یکی از تعالیم او یادآوری مرگ است. او همواره گذرا و ناپایدار بودن این دنیا را به پیروانش متذکر می‌شد و به آنان توصیه می‌کرد تا با یاد کردن مرگ با آن انس بگیرند. برای مطالعهٔ بیشتر رجوع شود به:

De Urbian, I. Ortiz, *Aphraates*, vol. I, p. 654.

2. Mar Mattai

3. The Book of the Holy Hierotheos

الهی سرچشمه می گرفت که خاستگاه آن را می توان در آیات قرآن جست. (حدید/۲۰) در واقع تصوف با زهد اسلامی- پرهیز از محرّمات و انجام واجبات- آغاز شده است. صوفیان اولیه با پیشه نمودن زهد، فقر و کناره گیری از خلق به عبادت می پرداختند و بدون هیچ نظام جمعی «خودتأدیبی» داشتند،^۱ اما از ریاضت های افراطی رهبانیت مسیحی بخصوص تحقیر خویشتن به دور بودند،^۲ البته در مناطقی که مسلمانان از حضور پیامبر محروم بودند و رهبانیت مسیحی قوت بیشتری داشته، می توان آثار زهد افراطی را بیشتر مشاهده کرد. در حقیقت رهبانیت به صورت مسیحی آن که افراد یا گروه هایی خود را از اجتماع جدا کنند و همواره در فقر و اطاعت خداوند به سر برند، در اسلام نیست. قرآن به موازات اینکه فرمان به پرهیز از دنیا داده، بهره مندی از طیبات عالم را نیز تحریض کرده است. گوشه نشینی را با دستوراتی که برای انجام عبادات گروهی قرار داده، محدود و اجزاء و عرصه های متناقض نمای هستی را تقریباً هماهنگ با هم جمع نموده است. به طوری که میان ارتباط فردی با خداوند و مناسبات اجتماعی انسان و نیز بین باطن و ظاهر عمل تعادلی برقرار کرده و حتی پیوندهای خاصی در اطاعت از امر الهی و ادای حقوق مردم وجود دارد.^۳ زندگی پیامبر و حضرت علی(ع) نمونه آشکار این عرفان است. پیامبر در ظاهر، زندگی همانند دیگر انسان ها داشت، اما روایات بسیاری وجود دارد که ایشان همواره دائم الصلوة بوده و در تمام لحظات حیات به ذکر خداوند مشغول بوده است. از عایشه نقل شده که چشمان وی به خواب می رفت، اما قلبشان هرگز نمی خوابید.^۴

1. Spencer, p.300.

۲. پیترز، اف. ثی، ج ۳، ص ۲۶۶.

۳. شجاعی زند، علیرضا، عرفی شدن در تجربه مسیحی، صص ۴۵۵ و ۴۵۶؛ ریاضی، حشمت، آیات حسن و عشق، صص ۸۱-۱۸؛ گیپ، همیلتن، اسلام، بررسی تاریخی، صص ۱۴۷-۱۵۱؛ پیترز، اف. ثی، صص ۲۶۴-۲۶۶.

• Spencer, p.300; Albery, A.J. *Sufism an Account of Mystics of Islam*, p.35; Kremer, Alfred, *Geschichte der herrschenden Ideen des Islam*, p.55

۴. شیمل، آنه ماری، ابعاد عرفانی اسلام، ص ۷۶.

از سوی دیگر آن چه عرفان اسلامی را از نوع مسیحی آن جدا می کند، تکامل معنایی انگیزه زهد و ریاضت در عرفان اسلامی است که سرمنشأ آن را جز در آیات قرآن نمی توان جستجو کرد. انگیزه زهد رهبانی در مسیحیت همان ثنویت متافیزیکی است، یعنی بدن که زندان روح و مأوی امیال شیطانی است می بایست مطیع گردد و دنیا و متعلقات آن نیز شر و پلید معرفی می شوند. در حالی که در عرفان اسلامی گوشه نشینی، ریاضت و دیدگاه منفی نسبت به دنیا و متعلقات آن به سمت رهبانیتی با اهداف مثبت تغییر مسیر می دهد. دینی که دنیا را مخلوق خداوند می داند نمی تواند دیدگاه تحقیرآمیزی نسبت به آن داشته باشد، دنیا شر و پلید نیست، بلکه پلی است که انسان را به سرای آخرت می رساند. آن چه شر و پلید است هدف قرار گرفتن دنیا است. به همین دلیل برخلاف رهبانیت که تجرد و سرکوب نیاز جسمانی را از اصول اولیه می شمارد، در اسلام به ازدواج سفارش شده و محبت به همسر و فرزند در زمره عبادات قرار گرفته است. از همین رو می بینیم قرآن فقط اختصاص به توصیف خداوند نداشته، بلکه اصول اخلاقی و دستورالعمل زندگی را نیز مشخص کرده است.

در این کتاب، آندره در بررسی شباهت های زندگی ریاضت مآبانه عارفان اسلامی با رهبانیت مسیحی، عرفان اسلامی را به دو بخش تفکیک می کند. او عرفان اولیه اسلام را همان زهد و ریاضت ناشی از خوف پروردگار می داند که مسیر تکامل پویایی را تا عرفان حلاج و ابن عربی پیموده است. او همچنین معتقد است که ریشه جدا شدن مسیر عرفان اسلامی از رهبانیت مسیحی را نمی توان جز در قرآن، شخصیت پیامبر و در عشق خدایی مسلمانان به او جستجو کرد.

۳. وحی و تجربه عرفانی

آن چه خواننده محترم باید به هنگام مطالعه این کتاب مد نظر داشته باشد توجه به دیدگاه و تعریفی است که مسیحیان از وحی دارند. نویسندگان وحی را درواقع هم ردیف تجربه عرفانی عارفان قرار داده است، در حالی که مفهوم وحی از دیدگاه قرآنی با آن چه مسیحیان از وحی استنباط می کنند، بسیار متفاوت است. مفهوم وحی از نظر مسیحیان صرفاً همان الهامات و خطورات

قلبی و مکاشفات درونی است که برای انسان‌های معمولی رخ می‌دهد که می‌تواند دیگران را با زبان علم حصولی از آن آگاه سازد. بر این اساس متکلمان مسیحی معتقدند که متون مقدس حاصل مکاشفات پیامبران است. درواقع نظر رسمی کلیسا این است که وحی، فقط گونه‌ای انتقال حقایق به انسان است. در حالی که پدیده وحی در اسلام مفهومی بنیادی و زیربنایی داشته، فقط در مورد پیامبران الهی به کار می‌رود و در حقیقت حادثه خاصی است که تنها در مورد افراد معدودی از بشر رخ داده است. اگرچه عارفان، فیلسوفان و متکلمان بسیاری تلاش کردند تا به حقیقت وحی و قرآن دست یابند، ولی وحی همچنان به مثابه رازی باقی مانده و هنوز دانسته نیست که وحی واقعاً چیست و چگونه کلمات از جنس زبان بشری و با بیان بشری و به زبان عربی از سوی خداوند به انسانی امی القا شده و او را مکلف نموده تا آن را عیناً به دیگران ابلاغ کند. در قرون اخیر برخی محققان، تجربه عرفانی را به جای تجربه وحیانی پیامبران مطرح کرده‌اند. اما آیا این تجربه‌ها واقعاً یکسان هستند؟ در این جا نمی‌خواهیم به بررسی پدیده وحی بپردازیم، بلکه تنها به نظر خود عرفا درباره وحی و تجربه عرفانی اکتفا می‌کنیم. در میان نویسندگان اسلامی، عرفای اسلام بیش از همه درباره تجارب عرفانی پیامبران سخن گفته‌اند. کهن‌ترین تعبیر در این مورد از بایزید بسطامی است که ماجرای سیر و سفر خود را چنین شرح می‌دهد:

«چون نودهزار سال به سر آمد بایزید را دیدم و من هر چه دیدم همه من بودم. پس چهارهزار بادیه را به نهایت رساندم. چون نگه کردم، خود را در بدایت درجه انبیا دیدم. پس چندان در آن بی‌نهایتی برفتم که گفتم بالای این درجه هرگز کس نرسیده است و برتر از این مقام نیست. چون نیک نگه کردم، سر خود بر کف پای نبی دیدم. پس معلوم شد که نهایت حال اولیا بدایت حال انبیا است و نهایت را غایت نیست.»^۱

بایزید در وصف سفر خود به‌خوبی نشان داده است که میان تجربه پیامبران با عارفان اختلاف بسیاری وجود دارد. هر عارفی متناسب با

۱. عطار، فرید الدین، تذکرة الاولیاء، ص ۲۰۶.

فرهنگ دینی خود، پس از انجام اعمال خاصی به تجارب عرفانی دست می‌یابد، یعنی تجاربی که با تمرین و انجام افعال خاصی قابل دستیابی‌اند، نظام‌مند شدن و مدرسی شدن عرفان نیز از همین‌جا سرچشمه می‌گیرد، در حالی که مدارک تاریخی نشان نمی‌دهند کسی با تمرین و تلاش پیامبر شده باشد و هرگز دیده نشده کسی در اثر ریاضت و گوشه‌نشینی میانی زندگی فردی و اجتماعی را ارائه کرده باشد. از سوی دیگر اگر وحی را نتیجه تجربه عرفانی پیامبر بدانیم، در آن صورت قرآن باید کلام نبی دانسته شود، نه کلام الهی.

در رابطه با وحی به پیامبر اسلام باید به دو نکته در قرآن توجه کنیم. اول این که پیامبر اسلام در قرآن فردی امی خوانده شده است که نه تنها دعوی داشتن خصایص فوق بشری نداشته، بلکه خود را بشری دانسته که به او وحی می‌شود^۱ و این وحی را تنها معجزه خود خوانده که به عربی فصیح دریافت کرده است، آیاتی که اگر جن و انس گرد هم آیند نمی‌توانند همانند آن را بیاورند.^۲ او غیب نمی‌دانست و ادعا نمی‌کرد که خزائن الهی نزد اوست. او خود را فرشته نمی‌دانست و از هیچ چیز پیروی نمی‌کرد جز آن چه به او وحی می‌شد.^۳ خداوند در قرآن به او یادآوری می‌کند که او نمی‌تواند هر کس را که دوست دارد هدایت کند، بلکه خداوند است که هر کس را بخواهد به ایمان می‌رساند، چرا که او به ره‌یافتگان داناتر است.^۴

بنابراین محمد(ص) برگزیده شد تا واسطه رساندن فیض حق باشد و می‌دانست که آن چه به او وحی می‌شود چیزی نیست جز فیض بی‌پایان الهی که خود را شایسته آن نمی‌دید. خداوند به او می‌فرماید: «و اگر بخواهیم، آن چه را بر تو وحی فرستاده‌ایم از تو می‌گیریم، پس مددکاری نمی‌یابی که در برابر ما از تو دفاع کند».^۵

دوم نقش شخصیت پیامبر اکرم است، به‌طوری که در قرآن با آیاتی

۲. سوره ۱۷، آیه ۸۸.

۱. سوره ۶، آیه ۱۴.

۴. سوره ۲۸، آیه ۵۶؛ سوره ۱۷، آیه ۸۶ و ۸۷.

۳. سوره ۶، آیه ۵۰.

۵. سوره ۱۷، آیه ۸۷.

رو به رو می‌شویم که مقام منحصر به فرد وی را یادآوری می‌کند. خداوند قرآن را به محمد(ص) تعلیم داد، همان‌گونه که همه اسماء را به آدم آموخت.^۱ پیامبر جز مایه رحمت برای جهانیان نیست.^۲ خداوند و فرشتگانش به پیامبر درود می‌فرستند،^۳ چرا که او صاحب اخلاق بسیار بزرگوارانه‌ای است.^۴ او اسوه حسنه و مقتدایی نیکوست.^۵ چندین جای قرآن اطاعت از فرمان پیامبر را در کنار اطاعت از فرمان الهی آورده است؛ یعنی اطاعت از او به منزله فرمانبرداری از خداوند است تا جایی که روش زندگی او (سنت) به صورت قانونی معتبر برای زندگی مسلمانان درآمده است.^۶

زندگینامه تور آندره

تور جولیوس افراییم آندره^۷ در هشتم جولای ۱۸۸۵ در ونا، در جنوب سوئد به دنیا آمد. وی هشتمین فرزند خانواده‌اش بود. پدرش آندرس - یوهان آندره^۸ و مادرش ایدا کارولین^۹ نام داشت. تور جولیوس در سال ۱۹۰۳ وارد دانشگاه اوپسالا شد و در ۱۹۰۶ در رشته هنر و در ۱۹۰۹ در رشته الهیات فارغ التحصیل گردید و در ۱۹۱۲ به عنوان اسقف لینکوپینگ^{۱۰} برگزیده شد. پنج سال بعد، در ۱۹۱۷، اثر خود به نام محمد ﷺ در تعلیم و اعتقادات پیروانش^{۱۱} را منتشر کرد که نام وی را در عرصه بین‌المللی اسلام‌شناسان مطرح نمود و بدین ترتیب، مقام استادی دانشگاه اوپسالا را برای او به ارمغان آورد. آندره از سال ۱۹۲۳ تا ۱۹۳۳ به تدریس تاریخ ادیان در دانشگاه استکهلم پرداخت و در سال ۱۹۳۹ منتخب کرسی تاریخ ادیان در اوپسالا شد. او سال‌ها به‌طور همزمان در دو دانشگاه به تدریس پرداخت. در

۲. سوره ۲۱، آیه ۱۰۷.

۱. سوره ۹۶، آیه ۳.

۴. سوره ۶۸، آیه ۴.

۳. سوره ۳۳، آیه ۵۶.

۵. سوره ۳۳، آیه ۲۱.

۶. شیمل، آنه ماری، محمد رسول خدا، صص ۳۷-۴۱.

7. Tor joulius Efraim Andrae

8. Anders Johan Andrae

9. Ida Caroline

10. Linköping

11. Die Person Muhammad in Lehre und Glaube seiner Gemeinde (1918)

مقدمه آنه ماری شیمل

آروزها هنگامی برآورده می‌شوند که دیگر کسی انتظار آنها را ندارد، زمان تغییر کرده است و آرزو که زمانی سوزان و پرحرارت بود، اکنون خفته و خاموش است. سپس ساعت خجسته و مبارک، ناگهان فرا می‌رسد و انسان درمی‌یابد که همان‌گونه که صوفی زین پیشتر می‌دانست، آرزوها زمان خود را دارند.^۱ هنگامی که کتاب باغ همیشه سبز تور آندره اندکی پس از مرگ نویسنده فاضل آن منتشر شد، من به‌تازگی آغاز به تدریس فرهنگ و زبان‌های اسلامی نموده بودم و هم‌زمان مشغول مطالعه تاریخ مذهب با فریدریش هایلر^۲ بودم که افکار وی عمیقاً تحت تأثیر آندره بود. به دلیل این که من یکی از بزرگترین تحسین‌کنندگان کتاب‌های اولیه آندره به‌ویژه مطالعات حکیمانه وی درباره پیامبر اسلام بودم^۳، می‌دانستم که می‌باید این کتاب جدید را بخوانم؛ از این رو سوئدی آموختم. هنگامی که این کتاب سرانجام پس از جنگ در آلمان به دستم رسید، آن را بسیار جالب‌تر از آن‌چه می‌پنداشتم، یافتم. ناگفته نماند که دستیابی به کتاب را مدیون

۱. صوفی این وقت باشد ای رفیق / نیست فردا گفتن از شرط طریق (مثنوی، چاپ نیکلسون،

(۱۳۳/۱۰/ب)

2. Friedrich Heiler

3. *Die Person Mohammad in Lehre und Glaube seiner Gemeinde* (1918)

دوستان سخاوتمند سوئدی خویش‌ام. امیدوار بودم که کتاب را به آلمانی ترجمه کنم، اما در ۱۹۶۰ میلادی ترجمه آلمانی هانس هلمه‌هارت کانوس کرد منتشر گردید. پس از پیوستن به دانشگاه هاروارد نیاز شدید به ترجمه انگلیسی را در میان دانشجویانم احساس می‌کردم، اما فرصت انجام آن را نداشتم، تا این‌که بریگیته شارپ درطول ملاقاتمان در سیدنی، داوطلب ترجمه کتاب شد و شاید این امر اتفاقی نبود که وی ترجمه را درست زمانی تمام کرد که سرنوشت مرا راهی اوپسالا کرده بود.

چرا من تا این حد تحت تأثیر این کتاب کوچک با عنوان جذابش بودم؟ به گمان من دلیل آن نحوه ارائه طبقات اولیه تصوف در این کتاب بود. همان‌گونه که بر همگان آشکار است، مطالعه تصوف در اروپا در قرن نوزدهم آغاز گردید و نخستین اثر در مسیر طولانی انتشارات، کتاب تالوک^۱ است. همان‌گونه که تقریباً عنوان آن نشان می‌دهد، نویسنده تصوف را به عنوان جهان بینی وحدت وجود در نظر گرفته است. دانشمند دیگری در قرن نوزدهم می‌نویسد: «تصوف گیاهی بیگانه در سرزمین شن‌زار اسلام است». البته ما آنان را می‌بخشیم، زیرا مدارکی که آنان در اختیار داشتند، در اصل اشعار فارسی و برخی نوشته‌های نظری مربوط به دوره‌های متأخر تصوف بوده است. هنوز به سادگی می‌توان تصاویر رنگارنگ از ظهور فراگیر نظریه وحدت وجود را در اشعار صوفیانه فارسی^۲ مشاهده نمود، وحدتی که در ورای هر چیزی در این دنیا موجود است و جایی برای تمایز خوبی و بدی، بنده و خداوند و کفر و ایمان باقی نمی‌گذارد.

در مرحله‌ای دیگر در قرن نوزدهم دانشمندان اروپایی تصوف را در غالب روایت اسلامی شده عقاید نوافلاطونی، و چیزی که از هماهنگی آگاهانه یا ناآگاهانه عقاید یونانی‌مآبی و گنوسی رشد نموده بی‌توجه به انطباق آن با جهان بینی اسلامی - تعریف کرده‌اند و به این حقیقت که عقاید نوافلاطونی در آن زمان به‌ویژه در منطقه مدیترانه در بین متفکران مسیحی و یهودی متداول بود، استناد کرده‌اند. در این میان بسی مایه تعجب خواهد بود، اگر

1. *Sufismus sive Philosophia Persarum Pantheistica* (1821)

2. *Persianate Sufi*

اسلام سهم کافی از این تأثیرات نداشته باشد. آثار فلاسفه یونان به‌ویژه علم دین ارسطو که اثری نوافلاطونی است در قرن نهم میلادی/اسوم هجری، زمانی که زهد و انزوای صوفیانه در عراق، ایران و مصر در حال گسترش بود، به عربی ترجمه شد. با این حال اگر نتوانیم به‌یقین، اما با اندکی تأمل می‌توانیم بگوییم که سخنان معروف بنیان‌گذاران تصوف به علم کلام تمایل دارد و با جریان‌های انزواطلبی و ریاضت‌کشی در مناطق همسایه، چون بودایی در آسیای مرکزی و مسیحیت در خاور نزدیک (کشورهای ساحل شرقی مدیترانه) سازگار است. شخصیت دیونوسیوس آریوپاگوسی^۱ که در گسترش عرفان مسیحی در قرون وسطی نقش اساسی داشت، در تاریخ تصوف ناشناخته است؛ هرچند می‌توان دیدگاهی مبتنی بر مسیحیت در مورد مسائل علم دین عرفانی در تصوف را تقریباً از بعد از قرن نوزدهم مشاهده کرد. این مسئله در ساختار عرفانی پالایش شده ابن‌عربی (۱۲۴۰م/۶۳۸ق) متولد اسپانیا، به اوج می‌رسد و بر عرفان اسلامی دوره‌های بعد غلبه می‌یابد. این عرفان اساساً به‌واسطه فرامین صوفیان در میان کشورهای اسلامی شرق منتشر شد تا این‌که در قرن دوازدهم میلادی/ششم هجری با تشکیل شبکه‌ای بزرگتر از مراکز روحانی بین بنگال و مراکش شکوفا شد. از آن‌جا که دانشمندان غربی پیشتر تنها به یک رشته از منابع متأخر دسترسی داشته‌اند، چه نظم و چه نثر، تصوف به عقاید نوافلاطونی در لباس مبدل اسلامی تعبیر و تفسیر شد. علاوه بر این، چون بیشتر منابع شناخته شده دانشمندان اروپایی به فارسی نوشته شده بود و یا به دنیای ایرانیان تعلق داشت، که شامل مناطق بین استانبول تا هند می‌شد، برخی دانشمندان تصوف را زائیده برخورد اندیشه آریایی با هسته سامی خشک اسلام یافتند و یا به عبارت ساده، دین ایران باستان را در آن مشاهده کردند. افرادی نیز بودند که تصوف را تفسیر جزئی تعالیم عرفان هندی می‌پنداشتند. نخستین بار در آثار دانشمند بزرگ اسلام‌شناس، لویی ماسینیون^۲ درباره منصور حلاج، شهید معروف عرفان اسلامی ریشه‌های تصوف اولیه با جزئیات کامل تشریح شدند. اگرچه اثر بزرگ ماسینیون قدری

1. Dionysius Areopagita

2. Louis Massignon

آمیخته با نظریه شخصی و تجربه‌های عرفانی وی است و همچنین قدری فهم آن دشوار و مشکل است، با این حال یکی از الهام بخش‌ترین مطالعات کلاسیک به‌شمار می‌رود. شخصیت قهرمان وی، شهید راه عرفان، منصور حلاج، در حقیقت درون‌مایه اصلی عرفان تصوف و غیر تصوف را تا کنون تشکیل می‌دهد. کلام «انا الحق» حلاج (من حقیقت هستم) به عبارت «من خدا هستم» تغییر و تعبیر گشت و سرانجام به‌عنوان مدرکی قانع‌کننده برای دیدگاه وحدت وجود محسوب شد. بردارشدن به‌دست حکومت وقت نمونه شهادت آنانی تلقی شد که در راه آرمان خود، خواه دینی، خواه اجتماعی و یا سیاسی می‌جنگند و شهید می‌شوند. در حقیقت حلاج رنج کشیده، چندان برای کسانی که در جستجوی خداوند و خواهان اتصال با وی از طریق فنا باشند، الگو نیست، بلکه بیشتر نمادی است برای آنان که توسط حکومت‌های ظالم، زندانی، شکنجه و کشته شده‌اند و یا روح‌های آزاده‌ای که از کوفته‌فکری رهبران بسیار سنتی در عذاب بودند. بنابراین حلاج که می‌خواست رستاخیز را برای آنانی که از نظر معنوی مرده‌اند، به ارمان بیاورد، آن‌گونه که محمد اقبال می‌گوید، در طول ۵۰ یا ۶۰ سال گذشته شخصیت وی مرکز جذب علایق بسیاری به خود بوده است. زندگی و مرگش، اشعار پرمهر و فریاد اعتراض‌آمیز شجاعانه‌اش را باز هم نمایندگان جریان‌های مختلف روحانی تفسیر کردند.

با یادآوری این مشخصه است که کتاب آندره آغاز می‌شود. مرگ حلاج نقطه آغازین مطالعات وی را شکل می‌دهد. با این حال گسترش و تعالی شخصیت فوق‌العاده او را دنبال نمی‌کند، بلکه خواننده را به مراحل آغازین حرکت در گذشته هدایت می‌کند. شخصیت فراگیر شهید عرفان معمولاً افراد پیش از خود را تحت الشعاع قرار داده است، تنها در سال‌های بعد که آشکارا کتاب آندره در خارج از کشورهای اسکاندیناوی شناخته شد، برخی مطالعات در مورد بزرگان صوفی قرن هشتم و نهم هجری انجام پذیرفت، مانند کتاب جوزف ون^۱ در مورد محاسبی و مطالعات هلموت ریتزر^۲ و تسنر^۳ درباره بایزید بسطامی.

1. Josef Van

2. Hellmut Ritter

3. R.C. Zähler

آرام آرام علاقه به رهبران اولیه جنبش صوفی نظیر ذوالنون مصری، حکیم ترمذی، سهل تستری، ابوسعید الخراز و جنید بغدادی افزایش می‌یابد. آن‌چه دانشمندان به‌طور عام در دوره شکل‌گیری تصوف از آن غفلت کرده‌اند، در کتاب مارگارت اسمیت به نام *رابعه عارفه*^۱ مشاهده می‌کنیم که مدارک بسیاری در مورد نقش زنان در دوران اولیه اسلام ارائه می‌کند. آندره نیز به بررسی دیدگاه ریاضت‌آلود و انزواآمیز نسبت به زنان می‌پردازد و خواننده را با نظرگاه‌ها و نگرش‌های مختلف در جنبه‌های گوناگون زندگی صوفی آشنا می‌کند. او آنها را چنان انسان‌هایی به‌تصویر می‌کشد که خود را به‌طور کامل وقف مطالعه کلام خدا و پیروی از پیامبر کرده‌اند و هدف اصلی‌شان اخلاقی بوده نه متافیزیکی، مبارزه با صفات ناپسند و فرومایه نفس و جایگزین کردن صفات خوب الهی به جای آنها. بنابراین صوفی اولیه به‌عنوان نمونه واقعی آن‌چه تاریخ دین «عرفان اراده‌گرایانه»^۲ یا «عرفان شخصیت»^۳ می‌نامد و نه آن‌چه منابع متأخر به‌عنوان نمونه‌های «عرفان نامحدود»^۴ به ما تفهیم می‌کنند، از دل کتاب آندره سر برمی‌آورد. بر رابطه بسیار شخصی این زنان و مردان متقی با خداوند و معشوق به‌شدت تأکید می‌شود. بنابراین در این‌جا به جای شرح زندگی افراد مقدس و معجزاتشان و صفات تغییرپذیر اشخاص، با مردمی روبرو می‌شویم که در جستجو و کوششان در راه عشق مطلق به خداوند یگانه آن‌قدر زنده و واقعی به‌نظر می‌رسند که حضورشان را می‌توانیم در زندگیمان احساس کنیم.

البته آندره به بررسی روابط این صوفیان اولیه با هم‌نوعان مسیحی ایشان نیز می‌پردازد. مطالعات اولیه او شامل موضوعاتی نظیر زهد و رهبانیت، ارتباط بین دیرنشینی و برخی از ریاضت‌ها در اسلام است. لازم به گفتن نیست مردمی که در جستجوی خداوند بودند، یکدیگر را می‌شناختند و با یکدیگر کار می‌کردند، اما زاهد مسلمان همواره مرتبه خود را برتر از همراهان مسیحی‌اش می‌دانست، هرچند که مسیح به‌عنوان

1. *Rabia The Mystic*

2. *Voluntaristic Mysticism*

3. *Mysticism of Personality*

4. *Mysticism of Infinity*

عاشقی آرمانی و ریاضت‌کشی تمام شناخته می‌شد. آندره عشق برادرانه‌ای را برمی‌انگیزد که ویژگی بسیاری از گوشه‌نشینان سخت‌گیر بوده است و با نفس‌محوری در راه بندگی کاملاً در تضاد است. ما می‌توانیم احساس کنیم که چگونه ریشه‌های ادب به خداوند، انسان و حتی حیوانات در حلقهٔ زنان و مردان بی‌آلایش شروع به گسترش می‌کند، مردان و زنانی که بزرگترین فضیلت برایشان در جهان این است که دیگران را به خود ترجیح دهند. توکل آنان به خداوند (موضوعی که توسط بندیکت راینرت^۱ در اثر معروفش در ۱۹۶۸ به تفصیل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت) باعث محبوبیت آنان نزد ما شده است و شدت جستجو و ترک علایق آنان برای دستیابی به شکوهی عظیم‌تر در نزد خداوند هر انسانی را به حیرت وامی‌دارد. آندره به‌وضوح شرح می‌دهد که تجربهٔ دینی واقعی نسبت به سازماندهی مقاوم است. وی به‌واسطهٔ رویکرد عشق‌آمیزش به این سالکان پرهیزکار به اثبات آن می‌پردازد که معلمش، اسقف اعظم، ناتان زودربلوم^۲ در زندگی خود بر آن تأکید نمود و حتی در لحظه مرگش تکرار کرد: «وجود خداوند و افعالش را می‌توان از طریق مطالعه تاریخ ادیان درک نمود».

آنه‌ماری شیمل

بن، هشتم ژوئیهٔ ۱۹۸۶

صد و یکمین سالگرد تولد تور

آندره

1. Benedikt Reinert

2. Nathan Söderblom (1866-1931)